

بررسی رابطه آزادی عقیده با ارتداد، در چارچوب توحید تشریعی؛ با تأکید بر نظرات آیت الله خامنه‌ای

عمران عباسپور^۱

چکیده

رشد تجربه‌گرایی و نواندیشی نسبت به مباحث دینی، نگاه‌های جدید به دین را رقم زده است که دغدغه آنها، مطابقت احکام دینی، به خصوص اسلام با مسائل جدید است. از جمله این مباحث، حکم ارتداد در صورت داشتن اعتقادی خلاف دین اسلام است. **هدف:** هدف مقاله حاضر، بررسی رابطه بین آزادی عقیده و ارتداد در چارچوب هدایت تشریعی با تأکید بر نظرات آیت‌الله خامنه‌ای بود. **روش:** این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفت. **یافته‌ها:** اولاً، حکم ارتداد در صورتی تحقق پیدا می‌کند که دو عنصر مادی و قانونی ارتداد در او محقق شود؛ ثانیاً، حکم ارتداد بر رفتار و منش مسلمان واقعی بار می‌شود نه بر اعتقادات او. ثالثاً، اسلام چارچوب مشخصی را در زندگی فردی مشخص کرده که عبارت است از: مسئولیت انسان در مقابل تمام اعمال و اعضا و جوارح، مسئولیت انسان در تحقیق برای انتخاب عقیده درست و ممنوعیت تقلید کورکورانه. در صورت عدم رعایت این چارچوب، نزد خدا پاسخگوست، اگرچه مجازات دنیوی ندارد. در عرصه اجتماعی، فقیه جامع‌الشرایط باید با رعایت چارچوب عدالت‌محوری، مسئولیت در مقابل دین مردم و مسئولیت برای رشد عقلانی مردم، به رفع موانع رشد جامعه بپردازد. در این عرصه در صورت تحقق حکم ارتداد و اظهار علنی آن؛ چون مانعی در مقابل آزاداندیشی و هدایت مردم ایجاد می‌شود، حاکم اسلامی باید در مقابل آن بایستد. **نتیجه‌گیری:** خداوند حکیم، همان‌طور که در نظام تکوین، تمام نیازهای تکوینی انسان را فراهم کرده، تمام قوانین مورد نیاز انسان را نیز در چارچوب ربوبیت تشریعی بیان کرده است.

واژگان کلیدی: خامنه‌ای، ارتداد، آزادی، عنصر قانونی ارتداد، عنصر مادی ارتداد، اسلام حکمی، ربوبیت تشریعی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز. نشانی: تبریز؛ بلوار ۲۹ بهمن، بالاتر از فلکه دانشگاه، دانشگاه تبریز، دانشکده الهیات و علوم اسلامی.

الف) مقدمه

مسئله ارتداد در ادیان الهی همواره یکی از موضوعات قابل توجه و بحث‌برانگیز بوده است. در ادیان یهودیت و مسیحیت، منکران به طور مکرر از این ابزار استفاده کرده و متدینان هم در مواجهه با این پدیده، واکنشهای شدیدی از خود نشان داده‌اند. در دین اسلام نیز این موضوع به اشکال مختلفی مطرح شده و از طرفی، علمای اسلامی همواره در پی بررسی و تبیین ابعاد آن بوده‌اند. آزادی عقیده در اسلام به مراتب فراتر از آنچه در مسیحیت مطرح شده، به شمار می‌آید. (طبری، ۱۳۸۷، ج ۳: ۶۹؛ جرجی زیدان، ۱۳۷۲، ج ۴: ۱۲۸؛ زرین کوب، ۱۳۸۲: ۱۱)

ارتباط مسائل مربوط به ارتداد با آزادی عقیده در اسلام به صورت جدی مورد توجه بوده است. امروزه آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر تنها حکومت دینی، نظرات علمی و فقهی مستدل و به‌روز را ارائه کرده‌اند که می‌تواند روشنایی بیشتری در این مسئله فنی و پیچیده فراهم آورد. این پژوهش سعی دارد با اتکا به نظرات ایشان، ابعاد مختلف آزادی عقیده و رابطه‌اش با حکم ارتداد را در چاقوب توحید تشریعی بررسی کند.

۱. پیشینه تحقیق

بعضی از فقها از جمله: محقق حلی و شیخ سلار، بحث ارتداد را از مصادیق تعزیر دانسته‌اند (موسویان، ۱۳۸۸: ۱۵۰) و اکثر علما آن را از حدود اسلامی می‌دانند که از جمله آنها می‌توان به محمدحسن نجفی، سید کاظم یزدی و امام خمینی اشاره کرد. در دوران اخیر این بحث با دو چالش جدی مواجه شده است؛ یکی، انتقادات در منافات این بحث با آزادی و حق حیات انسان و دیگری، آیات و بعضی روایات متناقض با حکم ارتداد. به همین دلیل از طرف متدینان، تحقیقاتی برای دفاع از دین نگاشته شده است که از جمله آنها می‌توان به کتاب «آزادی، عقل و ایمان» نوشته محمد سروش و «ارتداد و آزادی» نوشته سید حسین هاشمی اشاره کرد.

مقالاتی هم در این باره به رشته تحریر در آمده است؛ از جمله: «آزادی یا اجبار عقیده در موازنه میان آیه لا اکراه فی الدین با آیات قتال» (تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۳۴) نوشته جواد ایروانی که با نگاه علم اصول، بین آیاتی که به قتال با مشرکان برای پذیرش دین امر می‌کنند و آیه «لا اکراه فی الدین» جمع کرده و به شبهات اجباری بودن پذیرش دین اسلام پاسخ داده است. همچنین «ملاک و شرایط تکفیر از دید رشید رضا» (پژوهشنامه مذاهب اسلامی) نوشته فهیمه فیضی و سید مهدی عزیزاده موسوی، «مبانی فقهی ارتداد با

۱۶۷ ♦ بررسی رابطه آزادی عقیده با ارتداد، در چارچوب ...

رویکرد آزاداندیشی» (مطالعات فقه و حقوق اسلامی) نوشته محمدجواد سعدی و دیگران و «کیفر مرتد، حکمی سیاسی» (مطالعات فقه و حقوق اسلامی) نوشته سید ابوالفضل موسویان. همچنین در پایان نامه های مختلفی، بحث ارتداد از نظر فقهی بررسی شده است که از جمله آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد: «ارتداد از منظر فقه و حقوق»، نوشته علی تفکری بافقی؛ «مفهوم ارتداد و آثار حقوقی آن»، نوشته حسینعلی صدیق؛ «بررسی تحقق پذیری حکم فقهی مذاهب پیرامون ارتداد (بر اساس بازخوانی ادله ارتداد)»، رساله دکتری محمد فیضی؛ «ارتداد در مذاهب اسلامی»، نوشته محمدتقی احمدی؛ «بررسی ارتداد از نظر فقه های معاصر»، نوشته نبی الله خالدی؛ «آثار وضعی، تکلیفی و کیفری ارتداد زن در فقه امامیه و مذاهب اربعه»، نوشته فاطمه علیپور کیوانلو؛ «بررسی تطبیقی ارتداد در دین اسلام با سایر ادیان (یهودی، مسیحی و زرتشتی)»، نوشته ابوالفضل صبری؛ «رابطه احکام ارتداد با آزادی عقیده در اسلام»، نوشته سید جواد حسینی؛ «تحلیل سیر مواجهه مفسران فریقین با آیات ارتداد»، رساله دکتری رباب امامیان.

در هیچ یک از این پژوهشها درباره نقطه کانونی ارتداد و رابطه آن با آزادی اندیشه و حدود آن، به طور کامل بحث نشده است. نوآوری تحقیق حاضر که به صورت میان رشته ای و با استفاده از دستاوردهای کلامی، فقهی و حقوقی بررسی شده، بر این نکته متمرکز است که جرم ارتداد، تنها در صورت وجود عناصر آن اثبات می شود. همچنین رابطه دو مفهوم کلیدی ارتداد و آزادی، به طور تخصصی از دیدگاه آیت الله خامنه ای بررسی شده است که سختگیری در اثبات ارتداد علاوه بر ارتقای عقلی و کمال فردی انسانها، به ارتقای عملی و تکامل اجتماعی آنان منجر می شود.

۲. مفهوم شناسی

برای بررسی رابطه بین آزادی عقیده و حکم ارتداد، مفهوم واژه های کلیدی این بحث بیان می شود.

یک (ارتداد

ارتداد مأخوذ از لفظ «رد» و در اصطلاح به معنای بازگشتن و بازگرداندن و بازگشتن به حالت قبلی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۹۳-۱۹۲؛ ابن منظور، بی تا، ج ۳: ۱۷۳؛ مصطفوی، بی تا، ج ۴: ۱۰۶). اکثر فقه های اسلامی، معنای اصطلاحی ارتداد را مساوی با معنای لغوی آن دانسته اند؛ ولی برخی نیز همچون: ابوالصلاح حلبی و سلیمان بن حسن شهرستی، اظهار کفر بعد از ایمان را ملاک تحقق ارتداد گرفته اند. (حلبی، ۱۴۰۳: ۳۱۱؛ محقق داماد و سید محسن موسوی فر، ۱۳۹۳، ج ۸: ۲۴-۳)

دو) مسلمان

مسلمان از ریشه «سلم» به معنای سلم، امنیت و پذیرش است (ابن منظور، بی تا، ج ۱۲: ۲۹۱) و در اصطلاح، کسی است که دین ارائه شده به وسیله پیامبر اسلام (ص) شامل توحید، معاد و دستورات مسلم دینی را پذیرفته باشد (طبرسی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۲۸). مسلمان به دو نوع حقیقی و حکمی تقسیم می شود. مسلمان حقیقی به کسی گفته می شود که بعد از رسیدن به بلوغ فکری، با تحقیق و بررسی، دین اسلام را به عنوان دین خود اختیار می کند. مسلمان حکمی یعنی کسی که از پدر و مادر مسلمان (یا یکی از آنها مسلمان باشد) به دنیا آمده باشد. چنین شخصی، حتی بدون اقرار به اسلام، تمام احکام مسلمان؛ مثل عقد نکاح و ارث بردن از مسلمان و ... را دارد. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱: ۶۰۲)

ارتداد در اصطلاح فقهای اسلامی، به معنای بازگشتن از دین اسلام و گرویدن به کفر است (خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از پاسداران: ۱۳۷۳/۱۰/۱۵). از دقت های مهم صاحب جواهر و به دنبال آن امام خمینی، همین تقسیم بندی مسلمان به این دو دسته است (امام خمینی، بی تا، ج ۲: ۴۹۸) که موجب حل بسیاری از مشکلات می شود؛ زیرا در مواردی، شخص با تعقل خود، دین اسلام را نپذیرفته است. بنابر این، اگر کسی واقعاً شک متفحص باشد، اسلام او به پیروی از پدر و مادر و اسلام روان شناختی است و اگر شک کند، معلوم نیست که خداوند احکام ارتداد بر آن بار کند؛ بنابر این، ارتداد یعنی اعلام بیزاری از دین از طرف کسی که یقین معرفت شناختی دارد (جوادی آملی، بی تا: ۱۴). دقت آیت الله خامنه ای در بحث ارتداد این است که بحث ارتداد مربوط به اندیشه و تفکرات شخص نیست؛ بلکه این حکم مربوط به رفتار اجتماعی اوست. بنابر این، بحث ارتداد دارای سه رکن است که در صورت وجود آنها، ارتداد تحقق پیدا می کند: پذیرش دین با یقین معرفت شناختی یا فلسفی؛ بازگشتن از دین؛ اعلام بازگشت با یک رفتار اجتماعی (اعم از گفتار و رفتار).

سه) آزادی عقیده

مفهوم آزادی، مفهومی چندوجهی و مورد اختلاف است؛ به گونه ای که تا ۲۰۰ معنا برای آن بر شمرده اند (متسکیو، ۱۳۹۱: ۳۹۳؛ برلین، ۱۳۸۰: ۲۳۶). آزادی در اندیشه لیبرال، بنیاد و جوهر انسانیت تلقی شده، بر همه توانایی های انسان، از جمله عقل و تفکر ارجحیت دارد (سروش، ۱۳۸۱: ۲۳). با این حال، از منظر اسلامی، آزادی و اراده انسانی تنها زمانی محترم است که در راستای تعالی معنوی و پیشرفت فردی باشد. (مطهری، ۱۳۹۵: ۳۹)

بررسی رابطه آزادی عقیده با ارتداد، در چارچوب ... ♦ ۱۶۹

عقیده به معنای پیوند و اتصال، در فرایند شکل‌گیری و تثبیت ادراکات شناختی در ذهن نقش دارد (ابن منظور، بی‌تا، ج ۵: ۶۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۱؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۱۷). با توجه به اینکه عقیده، محصول تفکر و ادراک تصدیقی است، آزادی در خود عقیده بی‌معناست؛ بلکه آزادی در مقدمات شکل‌گیری عقیده، ابراز آن، و عمل بر اساس آن مطرح می‌شود (مطهری، ۱۳۸۴: ۹۸). بنابر این، بحث آزادی عقیده، در واقع بررسی چارچوبها و محدودیتهای مراحل تحصیل، ابراز و عمل به عقیده است، نه خود عقیده.

چهار) توحید تشریعی و حد نصاب آن

توحید در لغت و اصطلاح فلاسفه، به معنای یکی دانستن خداست و دارای مراتب مختلفی است. توحید که شرط ایمان انسان به خداست با صرف ادعای پذیرش دین، قابل دسترسی نیست؛ بلکه دارای حدود و حد نصاب ذیل است:

- مرحله اول، اعتقاد به توحید در وجوب وجود؛ به این معنا که تنها یک وجود مستقل و بی‌نهایت وجود دارد که منشأ هستی است.
- مرحله دوم، اعتقاد به توحید در خالقیت؛ تنها موجودی که وجودش ذاتی و قائم به ذات است، می‌تواند موجودات دیگر را خلق کند.
- مرحله سوم، اعتقاد به توحید در ربوبیت تکوینی؛ موجودی که خلق کرده، رابطه عین‌الربطی با مخلوقات خود دارد. در واقع؛ مخلوقاتش در همه شئون وجود، وابسته به خالق خود می‌باشند.
- مرحله چهارم، اعتقاد به توحید در ربوبیت تشریعی؛ تنها موجودی که همه موجودات را خلق کرده، حق قانونگذاری برای آنان را دارد.
- مرحله پنجم، اعتقاد به الوهیت؛ تنها موجودی که خصوصیت الوهیت را داشته باشد، شایسته پرستش است و موجودات دیگر این شایستگی را ندارند.

این مراحل، حد نصاب توحید می‌باشند که اگر کسی با تحقیق، آنها را بپذیرد، به مقام توحید می‌رسد و اگر بعد از ایمان به این مراحل از آن برگردد، مرتد شمرده می‌شود. مراحل دیگری مثل توحید در استعانت، توحید در محبت و ... از مراتب کمال توحید به شمار می‌روند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۳: ۶۱-۵۴)

اسلام، با ارائه شریعتی آسان، در تعامل با انسانها، حدودی را در محدوده ربوبیت تشریعی تعیین کرده است. تخطی از این حدود، عواقبی مشخص در پی دارد و تکالیفی را متوجه

حکومت اسلامی می‌کند. اندیشه توحید، تمامی افکار و رفتار یک موحد واقعی را جهت می‌بخشد و بر آنها سیطره دارد. (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲: ۲۴۹)

آیت‌الله خامنه‌ای توحید را به غیر از اعتقاد به یکی بودن خدا، به معنای اعتقاد به حاکمیت مطلق پروردگار بر عالم تشریع و عالم تکوین می‌دانند. مراد از شعار اصلی اسلام؛ یعنی «لا حول و لا قوة الا بالله» همین است که لازمه آن یک نظام سیاسی است که در آن، آیین حکمرانی از کتاب خدا گرفته می‌شود. خدای حکیم می‌فرماید: «وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» (بقره: ۲۱۳)؛ «لِيَحْكُمَ» یعنی این کتاب بین مردم در مورد وظایف آنها حکم کند. در جای دیگر می‌فرماید: «وَلِيَحْكُمَ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مِنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (مائده: ۴۷). در میان مسیحیان انجیل حاکم است؛ یعنی دستور حکمرانی از انجیل گرفته می‌شود. همچنین در مورد پیغمبران دیگر می‌فرماید: «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (مائده: ۴۵). در همه اینها منبع و منشأ حکمرانی، کتاب الهی نازل شده به پیغمبر است؛ اصول اساسی همه برنامه‌های بشری از کتاب الهی گرفته می‌شود. (خامنه‌ای: ۱۳۹۹/۱۲/۲۹)

نقطه کانونی اعتقاد و عمل انسان، توحید است که یکی از مراتب آن، اعتقاد به خدا و کفر به طاغوت و مرتبه دیگر تنها عبودیت خداست؛ «تعالوا الى كلمة سواء بيننا وبينكم الا نعبد الا الله ولا نشرك به شيئا»؛ یعنی اینکه انسان هیچ چیزی را شریک خدا قرار ندهد. «فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى»؛ که این نوع توحید همان آزادی از همه قیود به غیر از عبودیت خداست. خدای متعال در آن واحد دو چیز منطبق بر هم را آفریده است: یکی این عالم آفرینش با همه قوانین و سنن و دیگری، قواعد شریعت. (همو، چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۴)

بنابر این، اولاً، قانون لازمه زندگی بشر است؛ ثانیاً، این قانون باید وضعی داشته باشد؛ ثالثاً، تنها کسی می‌تواند قانون وضع کند که سلطه‌ای بر زندگی انسانها داشته باشد؛ رابعاً، این قانون نیاز به مجری دارد. با توجه به اینکه حکومت، سلطه و قدرتی را به مجری قانون می‌دهد، بزرگ‌ترین معجزه و هنر تفکر توحیدی این است که فساد را از زندگی انسانها خارج کرده است. در چنین تفکری، اجرای حکومت هم اختصاص به خدا دارد: «تبارك الذي بيده الملك»؛ ملک و حکومت در اختیار او و متعلق به اوست. پیغمبران به فرمان خدا، ملک او را در جامعه اداره می‌کنند. (همو، تفسیر سورة ملک، آیات ۱-۲: ۱۳۶۳/۰۸/۱۸)

با توجه به سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، انسانها در نظام آفرینش از آزادی مطلق برخوردار نیستند؛ بلکه زندگی آنان تکویناً و تشریعاً در چارچوبی منطبق بر خواست مولا برنامه‌ریزی

شده است. از جمله افعال انسان، عقیده است که در این چارچوب، مردم در زندگی فردی و حاکمان در زندگی اجتماعی، حقوق و وظایفی دارند.

ب) عوامل و عناصر ارتداد

گفته شد انسانها در همه حدود زندگی خویش باید در چارچوب توحید تشریعی زندگی کنند. یکی از مباحث مهم در این زمینه، سلطه انسان بر اندیشه خویش است. عوامل محقق شدن ارتداد (یعنی خروج از حدود بندگی) به شرح ذیل است.

۱. عوامل ارتداد

یک) قبول نکردن اصل دین

کفر به معنای رد اعتقادات بنیادین دین اسلام، از جمله: وجود خداوند، توحید، رسالت حضرت محمد (ص) و معاد یا عدم پذیرش تعالیم و دستورات پیامبر اسلام (ص) در صورت انکار نبوت است (خویی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۵۹-۵۸؛ امام خمینی، بی تا، ج ۱: ۱۱۵) و کسی که اول دین اسلام را پذیرفته؛ ولی بعداً از دین اسلام برگردد، مرتد شمرده می شود.

دو) عدم پذیرش یکی از احکام ضروری و بدیهی دین اسلام

اسلام دینی است که در حوزه نظر و عمل، راهکارهای مناسب رشد و هدایت انسان را بیان کرده است. اگر کسی در عمل یا نظر، بعضی از احکام ضروری دین اسلام مثل روزه و نماز را نپذیرد، مرتد شمرده می شود (موسوی عاملی، بی تا، ج ۲: ۲۹۴). آیت الله خامنه ای در بحث خمس، وجوب آن را از ضروریات اسلام می داند و انکار آن با سخنان صریح یا رفتاری که موجب دروغ بستن، نپذیرفتن، مسخره کردن دین اسلام یا توهین به مقدسات و کوچک شمردن و ترک آن یا انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم اسلام (ص) یا وارد کردن نقصی به شریعت شود، باعث کفر و ارتداد می داند. (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۶: ۴۸؛ ج ۴۱: ۶۰۰؛ رساله آموزشی، خمس و دیدار مردم خراسان و بحث سلمان رشدی، ۱۳۶۹/۰۳/۱۵: <https://farsi.khamenei.ir>)

۲. عناصر تشکیل دهنده حکم ارتداد

یک) عنصر قانونی

عنصر قانونی در حقوق جزا به معنای آن است که آن عمل به موجب قانون، جرم شناخته شده و برای آن مجازات معین شده باشد. در متون فقهی، ارتداد جرم شناخته شده و مجازات مشخصی برای آن تعیین شده است؛ ولی در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران، به صراحت در خصوص ارتداد صحبت نشده است. البته بر اساس اصل چهارم قانون اساسی،

تمامی قوانین جمهوری اسلامی ایران باید بر مبنای احکام اسلامی تنظیم شوند و اصل ۱۶۷ قانون اساسی، قاضی را ملزم می‌کند تا برای هر ادعایی حکم لازم را در قوانین مدون یا با استفاده از اسناد معتبر اسلامی یا نظرات فقهی مورد قبول، جستجو و رسیدگی کند. (خامنه‌ای، رساله آموزشی، <https://farsi.khamenei.ir>)

دو) عنصر مادی ارتداد

عنصر مادی یعنی مواردی مثل سخن یا نوشتار که به صورت عینی موجب تحقق عنوان ارتداد می‌شود. البته صرف عدم پذیرش قلبی موجب ارتداد می‌شود؛ ولی از جهت حقوقی، اجرای مجازات دنیوی ارتداد منوط به بیان علنی عدم پذیرش دین است. گفتنی است که در نظام حقوقی اسلام، تحقیق و تفحص در اعتقادات مردم ممنوع است. (خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۱۲/۱۵: <https://farsi.khamenei.ir>؛ علی‌آبادی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۵۶؛ موسوی اردبیلی، ۱۳۸۵: ۸۵۹)

سه) عنصر روانی ارتداد

از نظر تأثیر قصد مجرم در مجازات او، جرمها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ بعضی از جرمها به گونه‌ای‌اند که صرف انجام آنها مجازات دارد که به آنها جرمهای مادی گفته می‌شود؛ مثل صدور چک بی‌محل. بعضی از جرمها هستند که به صرف انجام فعل، جرم تحقق پیدا نمی‌کند، بلکه قصد شخص در تحقق یا عدم تحقق آن مؤثر است؛ مثل اثبات قصاص در قتل که نیازمند اثبات عمدی بودن اقدام به قتل است. برخی از متفکران، مانند راشد الغنوشی و شیخ محمد عبده، ارتداد را جرمی سیاسی و اقدامی عملی علیه حکومت اسلامی می‌دانند که تنها با تغییر دین محقق نمی‌شوند؛ بلکه تحقق آن منوط به قصد شخص برای براندازی حکومت اسلامی یا ضربه زدن به آن است (مظفری، ۱۳۷۶: ۸۲). اما ظاهر آیات (مانده: ۵۴؛ بقره: ۲۱۷) و روایات مبین این است که خود ارتداد، فارغ از توأم شدن آن با جرائم دیگر، موضوع حکم است. برای مثال، در روایتی که ابان بن تغلب از امام باقر (ع) نقل کرده است، حضرت می‌فرمایند: «هر کسی از اسلام برگردد و به آنچه بر حضرت محمد (ص) نازل شده است بعد از اسلام آوردن کفر ورزد، توبه‌اش پذیرفته نمی‌شود و به قتل می‌رسد و زنش از او جدا می‌شود. (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۸: ۲۸: ۳۲۸)

محمد ابن مسلم از آن حضرت نقل می‌کند که هر کس پیامبری از پیامبران الهی را نپذیرد یا او را تکذیب کند، خونش مباح است. در ادامه این روایت، حضرت می‌فرمایند: هر کس امامی از ما را نپذیرد، مرتد بوده و خونش حلال است (همان: ۳۲۳). با توجه به این آیات و روایات، ارتداد در صورت اعلام علنی، یک جرم صرفاً مادی شمرده می‌شود.

خداوند می‌فرماید: «کسانی که پس از آنکه راه هدایت برایشان آشکار شد به عقب بازگشتند و به کفر گراییدند، شیطان کارهای ناپسند را برایشان آراست و آنان را در راه باطل مدد کرد» (محمد: ۲۵). این آیه درباره ارتداد به معنای لغوی است، و گرنه برای کسی که مخفیانه با کفار همکاری دارد و ظاهراً برای فریب افکار عمومی مسلمانان اظهار اسلام می‌کند، اصطلاح ارتداد صدق پیدا نمی‌کند (آل عمران: ۷۲). خداوند متعال برای مقابله با این حربه و رفع این فتنه، به طور ریشه‌ای با آن برخورد می‌کند تا حتی اگر کسی برای زیر سؤال بردن دین، به ظاهر ایمان بیاورد و بعد از آن اظهار کفر کند، با اینکه در اصطلاح فقهی مرتد شمرده نمی‌شود؛ ولی حکم مرتد بر او بار می‌شود و چنین کسی واجب‌القتل است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا بآخِرِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (آل عمران: ۷۲). این آیه به صراحت ارتداد را اقدامی توطئه‌آمیز معرفی می‌کند؛ یعنی نه اظهار اسلام آنان حقیقی بود و نه بازگشت آنان از دین ریشه علمی داشت؛ بلکه این عمل آنان، برای ایجاد تزلزل و شبهه در باورهای دینی مسلمانان بود.

حکم ارتداد در قانون اسلام، بر عقیده شخص مترتب نیست؛ بلکه بر عمل شخص مرتد مترتب است که با عمل خود به دنبال از بین بردن امنیت روانی متدینان است. اسلام با این مجازات، جلوی فریبکاری و خدعه مخالفان دین را در جامعه اسلامی می‌گیرد و در برابر این گونه تحركات، نه مجادلات کلامی و استدلالی، با استفاده از راهکارهای مؤثر و بر پایه واقعیتهای اعتقادی، سعی در محافظت از ایمان مردم دارد. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۲/۱۵)

ج) حدود آزادی عقیده در زندگی فردی و اجتماعی

یک سؤال اساسی درباره مباحث اندیشه‌ای انسان این است که آیا انسان در انتخاب عقیده و ابراز آن آزاد است یا اینکه محدود به حدودی است؟ این بحث در دو حوزه قابل بررسی است: زندگی فردی و اجتماعی.

۱. حدود آزادی عقیده در زندگی فردی

بر اساس دیدگاه انسان‌مداری و لیبرالیسم، انسان در زندگی فردی، خالق ارزشهاست، نه تحت تأثیر قوانینی که این ارزشها را تعیین می‌کنند. این نگرش بیشتر بر ابعاد مادی زندگی تأکید دارد و حقوق طبیعی انسان را به عنوان مبنای آن معرفی می‌کند. در این رویکرد، انسان تنها به عنوان مجموعه‌ای از غریزه‌ها و تمایلات مادی و حیوانی تعریف می‌شود. هر فرد حق دارد اندیشه‌های آزاد خود را داشته باشد و دیگران نیز از این حق دسترسی برخوردارند. بحث

حقوق بشر به شدت حائز اهمیت است و باید بحث به شیوه عقلانی درباره حق و باطل را کنار گذاشت و به حق روان‌شناختی و اجتماعی انسان پرداخت. حقوق بشر یکی از کشفیات ارزشمند بشر است که اهمیت آن از کشفهای بزرگی مانند الکتریسیته، اتم و جاذبه کمتر نیست. مقوله شهروندی در پرتو این حقوق شکل می‌گیرد. تقسیم انسانها به مؤمن و غیر مؤمن یا به صاحب عقاید باطل و درست و تعیین حقوق سیاسی، اجتماعی و فردی آنها رویکردی کهن است. شهروندان از حقوق برابر برخوردارند و لذا باید بحثهای عقیدتی را کنار گذاشت. (سروش، ۱۳۷۷: ۲۷)

در تفکر لیبرالیستی؛ حق حیات، حق آزادی و حق مالکیت از موارد حقوق طبیعی‌اند که همه افراد و نیز دولتها باید آن را محترم بشمارند. آزادی، به خصوص آزادی عقیده، ارزش ذاتی دارد و محدودیتی ندارد؛ چون نوع تفکر انسان، اصطکاک با حقوق مادی دیگران ندارد تا موجب سلب آزادی دیگران شود. حکومت مطلوب، حکومتی است که بیشترین آزادی و کمترین محدودیت را برای انسان ایجاد کند (برلین، ۱۳۸۰: ۳۳۱). در این نظریه، دین به عنوان مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی تلقی می‌شود که شباهت به اندرزهای حکیمان و وعظ دارد. در چنین تفکری، اراده خدا جایگاهی ندارد؛ بلکه بشر، اصل و اساس همه ارزشها شمرده می‌شود (آربلاستر، ۱۳۸۸: ۱۲۵). بر این اساس، اعمال منافی عفتی همچون همجنس‌بازی، به اندازه حق پرستش در عقاید مذهبی، مقدس و قابل دفاع و از حقوق طبیعی انسان شمرده می‌شود و چون ملاک ارزشمندی هر کاری خواست و لذت انسانهاست، افراد به راحتی می‌توانند دین خود را تغییر دهند و کسی حق بازخواست در این مورد را ندارد. (ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر)

از نظر اسلام، تمام رفتارهای انسان در رشد و ترقی یا سقوط او تأثیر دارند. به همین سبب برای همه شئون زندگی انسان، حتی افکار و خطورات ذهنی او قانون بیان شده است. در این نظام حقوقی، انسان هدفمند خلق شده است و هدف نهایی‌اش، رسیدن به مقام خلافت از خداست: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۱)؛ که در چنین حالتی، رستگاری انسان دست‌یافتنی است (خامنه‌ای، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). راه رسیدن به این مقام، زندگی در چارچوب توحید در محدوده فردی و اجتماعی و مادی و معنوی است (همو، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹). در چنین نظامی، نظارت عمومی که ریشه در محبت انسانها نسبت به همدیگر دارد (توبه: ۷۱)، جلوی بسیاری از اعمال منافی عفت و منکرات را می‌گیرد. در تفکر الهی و دینی، آزادی محدود به توحید تشریعی است و در صورتی که حقوق الهی را زیر سؤال ببرد، جایز نیست. انسان در مسیر انسانیت، آزاد است؛ نه در همه مسیرها، ولو در

بررسی رابطه آزادی عقیده با ارتداد، در چارچوب ... ۱۷۵

مسیر مخالف انسانیت (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۲۴). در اسلام، حقیقتی به نام آزادی و دموکراسی که بالاتر و برتر از مطالب بنیادین دین باشد، وجود ندارد.

با توجه به بیانات امام خامنه‌ای در جاهای مختلف، انسان در نظام تکوین و تشریع از آزادی مطلق برخوردار نیست؛ افراد، زندگی شخصی خود را باید در چارچوب معین شده از طرف خدا قرار دهند؛ که بالاترین چارچوب، توحید و یکی از نمودهای اساسی آن، توحید در ربوبیت تکوینی و تشریعی است. (خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۲/۱۵)

آزادی عقیده در چارچوب توحید تشریعی قابل پذیرش است. در این چارچوب، حدود ذیل برای انتخاب عقیده انسان مشخص شده است:

یک) مسئولیت انسان در مقابل تمام اعمال و اعضا و جوارح: خداوند می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عِنْدَ مَوْلَا» (اسراء: ۳۶)؛ و از آنچه بدان علم نداری پیروی نکن؛ زیرا گوش و چشم و دل، از همه اینها سوال می‌شود. همچنین قرآن کریم انسان را موجودی با هدف و غایت معرفی می‌کند: «افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لاترجعون» (مؤمنون: ۱۱۵)؛ آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟

دو) مسئولیت انسان در تحقیق برای انتخاب عقیده درست: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هداهم الله واولئک هم اولو الالباب» (زمر: ۱۸-۱۷)؛ آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، اینانند کسانی که خدا هدایتشان کرده و اینان همان خردمندانند. خصلت هدایت‌یابی این است که انسان در سخنان دیگران تدبّر کند و حق را بپذیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۸۰)

سه) ممنوعیت تقلید کورکورانه: قرآن رفتارهای ناپسند در امتهای گذشته را معرفی کرده و مردم را از آنها نهی کرده است که از جمله آنها تقلید از نیاکان: «نَتَّبِعْ مَا الْفِئَا عَلَیْهِ ءَابَاؤُنَا» (بقره: ۱۷۰؛ لقمان: ۲۱)، «أَنَا وَجَدْنَا ءَابَاؤَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَأَنَا عَلَىٰ ءَاثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ» (زخرف: ۲۳)؛ پیروی از مستکبران: «فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا أَنَا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا» (ابراهیم: ۲۱) و پیروی از رؤسا و بزرگان گمراه: «أَنَا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا» (احزاب: ۶۷) است.

با توجه به اینکه ارتداد به معنی بازگشتن از دین، بعد از پذیرش عقلانی آن، در صورت دارا بودن عنصر مادی و قانونی آن است؛ اگر کسی که با رعایت چارچوب بیان شده برای انتخاب عقیده، مسلمان متفحص باشد که به دنبال انتخاب عقیده درست است، در این صورت حتی با انتخاب عقیده‌ای غیر از دین حق، فی نفس الامر حکم ارتداد بر او بار نمی‌شود؛ ولی

اگر مانع ورود سخنان حق به قلبش شود یا به علت پذیرش سخنان غیر عقلانی دیگران مسیر باطل را انتخاب کند و از دین حق برگردد، فی نفس الامر حکم ارتداد بر او بار می‌شود و اگر چه کسی حق تجسس در زندگی او را ندارد، در نزد خداوند به عنوان مرتد محشور می‌شود و مجازات آن را خواهد داشت.

۲. قانونگذاری و وظایف حاکمان

در اندیشه لیبرالیسم، ملاک اعتبار قوانین، اراده مردم است که برای حفظ آزادی مردم، تنها در صورت ضرورت تصویب می‌شود. حق قانونگذاری از آن مردم و اکثریت جامعه است که از طریق مجلس نمایندگان در چارچوب قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر اعمال می‌شود که اعتبار اعلامیه حقوق بشر هم به استناد امضای نمایندگان کشورهاست. اگرچه ظاهر این نظام حقوقی این است که خواست اکثریت به قوانین ارزش می‌دهد؛ ولی دقت در بسیاری از قوانین اجتماعی جامعه بشری نشان می‌دهد که این قوانین، ریشه در غلبه و زور و اجبار دارد؛ و گرنه چگونه گروهی که از زور بیشتری برخوردارند، می‌توانند اراده خود را بر جوامع دیگر غلبه دهند؟ (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۲۳۵). لیبرالیسم به عنوان یک نظام فکری، به دولتی نظر دارد که صرفاً از اصول و چارچوبهای کلی در زندگی اجتماعی حمایت کند. این نوع دولت باید به ترویج رفاه عمومی پرداخته و تا حد ممکن دخالت خود را در امور فردی و شخصی افراد کاهش دهد. قوانین اجتماعی باید به حداقل ممکن محدود شوند و اهتمام بر تأمین آزادی‌های فردی بیشتر، معطوف شود. (همان: ۳۳)

در این نظام فکری، هدف از تأسیس نهادهای حقوقی و قانونی، تلاش برای تأمین خواسته‌های مادی انسان است. تأمین خواسته‌های مردم است که موجب حقانیت و مشروعیت قانون و حکومت می‌شود. انسان، حاکم بر سرنوشت خویش است؛ به همین سبب، وظیفه حکومت، تأمین رفاه و لذت‌های مادی افراد است. در چنین فرهنگی، بازیگر اصلی حیات انسانها، خواسته‌های نفسانی و شهوت بوده و عقل برای خدمتگزاری به لذت و شهوت است. (آریلاستر، ۱۳۸۸: ۱۲۵)

از دیدگاه اسلام، انسان خلیفه خدا روی زمین است. بنابر این، نمی‌تواند در نظام هستی رها باشد؛ بلکه موجودی وظیفه‌مدار و دارای آرمانهای حقیقی است که برای رسیدن به این مقام خلق شده است. قانونگذاری با توجه به ربوبیت تکوینی خدا و علم بی‌منتهای او، مختص خداوند است؛ اما این حق در مرحله اول به انبیای الهی (ص) و در مرحله دوم به ائمه اطهار (ع)

بررسی رابطه آزادی عقیده با ارتداد، در چارچوب ... ♦ ۱۷۷

و در مرحله سوم به فقیه جامع الشرایط تفویض شده است تا در چارچوب خاصی فعالیت کنند.

الف) عدالت محوری: عدالت محوری به معنای استقرار نظامی است که در آن حقوق همه افراد، بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، جنسیت و موقعیت اجتماعی، رعایت و از ظلم و تبعیض جلوگیری شود. قرآن، عدالت را از اهداف اساسی بعثت انبیا معرفی می کند (حدید: ۲۵). امام علی (ع) برپایی دولت عدل را از واجبات دانسته (آمدی، بی تا، ج ۱: ۳۶۰) و اجرای آن را موجب پایداری جامعه (همان: ۱۰۲)، شکست دشمنان (مجلسی، بی تا، ج ۷۵: ۳۵۹) و زیادی برکتهای می دانند (آمدی، بی تا، ج ۱: ۲۹۱). امام سجاد (ع) همه تعالیم دین را در حقوقی، داوری طبق عدالت و وفای به عهد خلاصه می دانند (حویزی، ۱۳۷۳، ج ۳: ۷۹). آیت الله خامنه ای عدالت را نیاز اصلی جامعه طیه می داند و معتقدند که در برخوردها، تضادها، تزاوجات و منفعت طلبی ها، باید اصل عدالت محوری رعایت شود تا رنگ و بوی بی عدالتی و تبعیض و ظلم و ستم از آن جامعه رخت بر بندد و به جامعه مهدوی موعود نزدیک شود. (خامنه ای، ۱۳۹۸/۰۴/۱۹)

ب) مسئول بودن در مقابل دین مردم: دولت نه تنها باید موجب گسترش رفاه عمومی باشد، بلکه باید فضیلتها را نیز در جامعه ارتقا دهد. وظیفه اش حفظ جان، مال و ناموس افراد جامعه است و در عین حال باید به تعالی معنویت و اخلاق فردی و اجتماعی پردازد. حکومت اسلامی در مقابل حراست و حمایت از ایمان مردم، متعهد است. حاکمان جامعه اسلامی باید اصول و مبانی اسلامی را برای شهروندان، تبیین و به شیوه های مختلف، آنان را به پذیرش حقیقت و ایمان به خداوند ترغیب کنند. روشن کردن جذابیتهای ایمان و تقویت آن در میان مردم، از وظایف مهم دولت اسلامی به شمار می رود. به منظور نهادهای سازی ایمان در جامعه، دولت اسلامی باید به فعالیتها و کوششهای مؤثر دست بزند و در مقابل تخریب، وسوسه ها و رهنمی دلها، انتشار عقاید و آداب و رسوم غلط بایستد و از ایمان قلبی مردم محافظت کند؛ ولی حق ندارد کسی را به علت داشتن عقاید غلط مورد پیگرد قرار دهد. حتی کسی که دارای اعتقاد غلط است، شهروند جامعه اسلامی شمرده می شود و همان طور که حکومت وظیفه دارد از یک مؤمن دفاع کند، از او هم باید دفاع کند. امیرالمؤمنین (ع) در جریان هجوم سپاهیان اموی به شهر انبار می فرماید: «بَلَّغْنِي أَنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ كَانَ يَدْخُلُ عَلَى الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ وَالْآخَرَى الْمَعَاهِدَةَ فَيَنْتَرِعُ حَجْلَهَا فَلَوْ أَنَّ امْرَأًا مُسْلِمًا مَاتَ مِنْ بَعْدِ هَذَا أَسَفًا مَا كَانَ بِهَ مَلُومًا» (دشتی، ۱۳۸۶: ۵۰)؛ «شنیدم که این غارتگران، وارد خانه زن مسلمان یا زن اهل کتاب غیر مسلمان شدند و زیورآلات او را از او گرفتند و دستبند و پابند او را که طلا بوده، از پایش

خارج کردند که جا دارد انسان مسلمان از این غم بمیرد...». حکومت باید با اعمال جریمه یا محرومیت از حقوق اجتماعی در مقابل او بایستد. (خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۱۲/۱۵)

آیت‌الله خامنه‌ای، انتشار و توزیع آثار هنری غیر اخلاقی و مستهجن در جامعه را یک کار منفی فرهنگی می‌داند که دارای تأثیر فوری و آنی است و مسئولان فرهنگی باید با جدیت تمام، مانع از انجام آن شوند. ایشان همچنین نظام اسلامی ایران را با برخی از آزادی‌های ویرانگر، نظیر آزادی جنسی و آزادی در ارتکاب گناه، مخالف می‌داند که برای حفاظت نسل جوان کشور از آثار مخرب فرهنگی و هنری مخالفان اسلام، از این کارها باید جلوگیری شود. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۲/۲۸)

نوع حیات انسان در اندیشه اسلامی، خدامحورانه است. محدوده آزادی، رعایت مصالح مادی و معنوی است. ناگفته پیداست که این سخن در محدوده رفتارهای علنی و اجتماعی است و اگر کسی رفتاری مخالف مصالح عمومی یا اراده تشریعی خدا را به طور علنی انجام دهد، قانون و حکومت در مقابل او می‌ایستد؛ و گرنه هیچ مقامی، حق تفحص در زندگی خصوصی مردم یا علنی کردن رفتار یا اعتقاد خصوصی مردم را ندارد؛ زیرا اسرار مردم محترم‌اند. حوزه عقیده و ایمان چون با عقل و قلب انسان سروکار دارد، نه با اجبار به دست می‌آید و نه با اجبار از دست می‌رود. آیه «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی» هم ارشاد به همین حکم عقلی است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۴۳؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۵: ۱۷۸)

در فرهنگ اسلامی، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است؛ لذا نهادهای حکومتی و قانونی به منظور تأمین نیازهای دنیوی (مادی) و اخروی (معنوی) تأسیس می‌شوند. در چنین نگرشی، دنیا اصالت ندارد؛ بلکه مزرعه‌ای است که ثمرات آن در آخرت چیده خواهد شد. بنابر این، مصالح معنوی، ریشه ارزشمندی منافع دنیوی است. خدای متعال برای شکوفا شدن ابعاد وجودی انسان از روی لطف و حکمت خویش، دینی جامع به سوی انسانها فرستاده است که پذیرش این دین جامع و سنجیده و عمل به آن، تنها راه سعادت بشر است.

در حوزه آزادی انتخاب عقیده در جوامع اسلامی، لازم است توجه داشته باشیم که آزادی به معنای رهاسازی کامل برای فریبکاری و سوءاستفاده از باورهای دینی نیست. اسلام به عنوان یک سیستم اخلاقی و ارزشی، هرگز اجازه نمی‌دهد که افراد مغرض و فریبکار به آسانی به تضعیف ایمان جامعه بپردازند. لذا کسانی که با استفاده از جذابیت‌های مادی و برآورده ساختن تمایلات زودگذر انسانها، به سادگی قادر به جلب نظر افراد ضعیف در ایمان هستند، اگر در جامعه‌ای اسلامی رها شوند، قطعاً به گمراهی بسیاری منجر خواهد شد. این

بررسی رابطه آزادی عقیده با ارتداد، در چارچوب ... ♦ ۱۷۹

مسئله به وضوح در آموزه‌های قرآن کریم منعکس شده است که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ». این آیه نشان‌دهنده مسئولیت جامعه در حفاظت از ایمان و ارزشهای دینی است. اسلام به جای پذیرش تبلیغات فریبنده و غیر منطقی، به تقابل با این نوع روشها می‌پردازد و حفاظت از اصول اعتقادی را در اولویت خود قرار می‌دهد. بر همین اساس، احکام متعددی در اسلام وجود دارد که بر ضرورت حفاظت از ایمان و آگاهی بخشی در برابر تحریفات تأکید دارد. (خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۱۲/۱۵)

بنابر این، در زندگی اجتماعی مسئولیتهایی برای حاکمان در نظر گرفته شده که بالاترین مسئولیت حکومت اسلامی، تأمین زمینه‌های هدایت انسانهاست. با توجه به آیه «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (نحل: ۱۰۷)، چون علت اصلی ارتداد، ترجیح هوسها و خوشگذرانی‌های دنیوی بر فرمان خدا از طرف کسانی است که تلاش دارند در مقابل فرمان خدا بایستند، حاکم اسلامی باید در مقابل عوامل انحراف از مسیر حق بایستد و مسیر را برای پیمودن راه حق آماده کند. (همان)

ج) رفع موانع رشد جامعه: خردمندی و فرهیختگی، بنیانهای اصلی ساختار فکری در دین اسلام‌اند. انسان در صورت برخورداری از این بنیانها، به سعادت می‌رسد. در چنین تفکری، بزرگ‌ترین خیانت به بشر، آلوده کردن فضای فکری جامعه با فتنه‌انگیزی و تشویش اذهان عمومی است. مجازات کسی که به طور علنی در مقابل دستورهای خدا ایستاده است، سدی محکم در برابر جنگ روانی و تبلیغاتی علیه اسلام و مسلمانان است. حکومت اسلامی، همان‌طور که موظف است آب سالم برای مردم فراهم آورد، موظف است فضای فکری و فرهنگی سالم را در اختیار مردم قرار دهد و موانع تفکر سالم را از سر راه مردم بردارد تا انسانها به راحتی بتوانند مسیر حق را بیمایند (مصباح یزدی، ۱۳۸۱). بنابر این، اگرچه هیچ کسی حق تفتیش عقاید را ندارد، ولی باید دقت شود که حکومت اسلامی باید زمینه ترویج عقاید صحیح را در جامعه آماده کند و در مقابل کسانی که زمینه آلوده‌سازی جامعه را آماده می‌کنند، بایستد.

برای علاج بیماری‌ها و هتاک‌ها و مهار هرج و مرج فرهنگی نیز بهترین راه، همین است که آزادی بیان در چارچوب قانون و تولید نظریه در چارچوب اسلام، حمایت و نهادینه شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶)

مهم‌ترین مسئولیت اسلامی این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار آن، به کمال معنوی و عبودیت برسند: «ما خلقت الجنَّ و الانسَ إِلَّا ليعبدون». جامعه‌ای که به عبودیت خدا

می‌رسد؛ یعنی به معرفت کامل خدا می‌رسد، تخلق به اخلاق الله؛ یعنی نهایت کمال انسانی پیدا می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

د) مسئولیت حکومت برای رشد عقلانی مردم: آزادی‌خواهی و ایجاد فضای سالم اجتماعی، بی‌تردید فرصتی برای تفکر و اندیشه و نیز ابراز عقاید است. اتخاذ رویکردی متعادل و اصولی در استفاده از آزادی، از ویژگی‌های مهم جامعه اسلامی است. آزادی تفکر، نگارش و بیان، نه تنها به عنوان شعار تبلیغاتی، بلکه به عنوان یکی از اهداف اساسی نهضت اسلامی مطرح است. گرفتار شدن در دام سکوت و رکود یا افتادن در ورطه بی‌پروایی و کفر، با منزلت مسلمان متفکر همخوانی ندارد. در دیدگاه انقلاب اسلامی، هیچ یک از دو راه خفقان و انفعال و آزادی بی‌قید و شرط و خودخواهانه (به تعبیر دیگر؛ گرفتار شدن در یکی از دو مرداب جمود یا هرزه‌گویی) مورد قبول نیست. آزادی بیان باید تحت چارچوب‌های مشخصی از منطق، اخلاق و حقوق دیگران قرار گیرد. در چنین محیط فرهنگی‌ای، اصولی مانند حریت، تعادل، عقلانیت و انصاف، به منش مستمر در جامعه تبدیل می‌شود و این امر به شکوفایی اندیشه‌ها در تمامی زمینه‌ها منتهی خواهد شد. زایش فعالیت‌های فرهنگی و تبادل نظرات و اندیشه‌ها، به بخشی از عادات نخبگان و اندیشمندان تبدیل می‌شود. درمان مشکلات ناشی از توهین و هرج و مرج فرهنگی، در این است که آزادی بیان در محدوده‌های قانونی و تولید نظریات، مطابق با اصول اسلامی، تقویت و نهادینه شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بحث آزادی اندیشه را در چهار مرحله به شرح ذیل بیان می‌کنند:

۱) منش و رفتار انسان در محدوده حکمرانی و امر و نهی حکومتی واقع می‌شود، نه عقیده قلبی. اگرچه انسان در نزد خداوند، در مقابل حالات قلبی خود پاسخگوست، ولی حاکمان جامعه اسلامی حق پرسش و پاسخ در مقابل اعتقادات قلبی انسان را ندارند؛ حتی حق محروم کردن او از حقوق اجتماعی را ندارند.

۲) اگرچه اسلام با نگاهی رقیق و با سعه صدر در برابر عقاید نادرست، انعطاف نشان می‌دهد، این‌جور هم نیست که اسلام راضی شود، انسانها دستخوش عقاید باطل و انحرافی باقی بمانند؛ زیرا اعتقاد انسان، سرنوشت او را رقم می‌زند. از آنجا که امر قلبی و باطنی را نمی‌توان با قوه قهریه کنترل کرد، اسلام به مقابله با ریشه‌های اعتقادات فاسد، نظیر لجاجت و خودخواهی و هوسرانی می‌پردازد و از این طریق با فتنه‌گری و اعمال فشار روی عقاید حقه اسلام به شدت مقابله می‌کند که مسئله ارتداد به اینجا ارتباط پیدا می‌کند. (خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۱۲/۱۵)

در این راستا، اسلام چون با عقاید باطل مخالف است، با دعوت به خردمندی، موعظه و بیان حقایق، افراد مشکل‌دار را به سمت ایمان صحیح جلب می‌کند؛ علاوه بر این، اگر اعتقادات نادرست فردی، منجر به آثار تخریبی بر جامعه شود، اسلام قطعاً با آن برخورد خواهد کرد. بدین ترتیب، دین اسلام با درک عمیق به نقد عقاید نادرست می‌پردازد و شیوه‌های اصلاحی را برمی‌گزیند. (همان)

۳) برای رشد و توسعه آزادی اندیشه، طرح و نشر افکار و نظرات مخالف در جامعه که هیچ انگیزه خصمانه‌ای را دنبال نمی‌کنند، مفید است؛ زیرا با مطرح شدن اندیشه غلط، اندیشه درست جوشش و درخشش پیدا می‌کند، مسائل گوناگون رشد و پرورش می‌یابند و ذهنها قوی می‌شوند. بنابر این، نظام اسلامی مایل است چنین افکار و نظراتی در حوزه‌های مختلف منتشر شوند (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۲/۲۸) تا فضای مناسب برای آزاداندیشی، که یکی از خصوصیات جامعه علمی است، شکل بگیرد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲)

۴) مسئولان حکومتی باید در مقابل نشر فکر و سخن نادرست و جهت‌داری که جزیی از چارچوب یک طرح براندازی و امنیتی و مضر محسوب می‌شود، بایستند؛ زیرا انگیزه صاحب چنین فکری، صرفاً طرح یک سخن علمی، یا یک نظر فلسفی، اجتماعی، یا سیاسی نیست؛ بلکه ممکن است خواسته یا ناخواسته، در طرح خرابکاری و براندازی، سهم و شریک باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸/۰۲/۲۸)

به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای، قرآن هیچ‌گاه مسلمانان را به خاطر اعتقادات غلط، ملزم به آزار و اذیت کسی نمی‌کند. جنگ با افرادی که کافر محسوب می‌شوند، در واقع مرتبط با تهدیدهای آنان علیه نظام اسلامی و باورهای مؤمنان است. همچنین، این مبارزات به مقابله با رهبران و نظریه‌پردازان کفر و استبداد می‌پردازد که مردم را در چنگ خود نگه داشته‌اند. خداوند به مسلمانان تأکید می‌کند با افرادی که تنها به خاطر اعتقاداتشان با آنها در تعارض نیستند، باید با نیکوکاری و احسان رفتار کنند و در این زمینه به روشنی بیان می‌فرماید: «لا ینهیکم الله عن الدّین لم یقاتلوکم فی الدّین و لم یخرجوکم من ديارکم أن تبرؤهم و تقسطوا الیهم ان الله یحبّ المقسطین» (ممتحنه: ۸)؛ «خداوند شما را از نیکی کردن به کسانی که در دین با شما نمی‌جنگند و شما را از سرزمینهای تان بیرون نکرده‌اند، منع نمی‌کند». رعایت قسط و عدل در جامعه اسلامی، الزاماً به معنای حفظ حقوق تمامی افراد، از جمله غیر مسلمانان به شمار می‌آید. تمامی افراد، ولو با عقاید متفاوت، باید در امان باشند و از نیکویی بهره‌مند شوند. البته این آزادی مطلق نیست و محدود است به حدودی که اسلام معین فرموده است؛

بر این اساس، آزادی برای کسانی که مردم را به بی‌ایمانی و شهوات سوق می‌دهند، «آزادی خیانت» است و اگر قرار باشد کسانی توطئه کنند و آن را در نوشته‌ای منعکس سازند، این «آزادی توطئه» است و نظام اسلامی این آزادی را مردود می‌داند. (خامنه‌ای: ۱۳۷۷/۰۶/۲۴)

با توجه به مطالب پیش گفته، حکومت اسلامی وظیفه دارد در چارچوب معین، با رعایت عدالت محوری، برای تعالی دینی و عقلانی مردم و رفع موانع رشد عقلانی آنان قانون وضع کرده و در همین راستا فعالیت کند و از آنجا که علنی کردن ارتداد، مانعی بر سر راه مردم و در واقع آزادی تجاوز به حقوق معنوی مردم است، بر حکومت اسلامی لازم است در عرصه اجتماع، برای حفاظت از حقوق مردم در مقابل رهنان دین خدا بایستد.

(د) نتیجه‌گیری

خداوند حکیم، انسان را در دامن ربوبیت خویش پرورانده است تا او را به مسیر کمال هدایت کند. این ربوبیت در دو ساحت تکوینی و تشریعی تجلی می‌یابد که هر دو بر یکدیگر منطبق‌اند. ربوبیت تکوینی، ابزارهای لازم را برای هدایت انسان فراهم می‌آورد و ربوبیت تشریعی، چارچوبی منسجم و حکیمانه برای فعالیت انسان با در نظر گرفتن حوزه اختیار او فراهم می‌سازد. انسان در زندگی فردی خود و در چارچوب رعایت مسئولیت خویش در مقابل تمام اعمال و اعضا و جوارح خود و لزوم تحقیق برای انتخاب عقیده درست و ممنوعیت تقلید کورکورانه، باید به انتخاب عقیده درست اقدام کند که انتخاب عقیده، ابزاری برای حرکت در مسیر حق بوده و معتبر است. در صورت عدم رعایت این چارچوب و انتخاب عقیده نادرست، در مسیر ارتداد واقع می‌شود و در نزد خداوند پاسخگوست و در صورت انتخاب مسیر حق هم، مسلمان حکمی است نه حقیقی.

در زندگی اجتماعی، حق تشریع قانون و اجرای آن به خدا اختصاص دارد و خداوند حق اجرای قانون الهی را در مرحله اول به پیامبر(ص)، در مرحله دوم به امام معصوم(ع) و در صورت نبود آنان، به فقیه جامع‌الشرایط واگذار کرده است؛ که با رعایت چارچوب عدالت محوری و مسئولیت خود در مقابل دین مردم و رشد عقلانی مردم، باید به رفع موانع رشد جامعه بپردازند. با توجه به این چارچوب، چنانچه ارتداد تنها یک امر شخصی باشد، هیچ کس حق تجسس در زندگی مردم را ندارد؛ اما اگر به یک امر اجتماعی تبدیل شود و عناصر قانونی ارتداد نیز وجود داشته باشند، چون مانعی در مقابل آزاداندیشی مردم بوده و آزادی حرج و مرج است، حاکم اسلامی باید در مقابل آن بایستد.

آیت‌الله خامنه‌ای نیز بر این تأکید دارند که اسلام نه تنها کسی را به زور وادار به پذیرش یا رد عقیده‌ای نمی‌کند، بلکه بسترهای لازم را برای اعتقادات صحیح مهیا می‌سازد. در این زمینه، اگر جامعه اسلامی با رویکردی اصولی و حکیمانه پیش برود، می‌توان انتظار داشت که عقاید عمیق و درست از تفکر سالم در سطح جامعه گسترش یابد و آگاهی و روشنفکری در بین افراد افزایش یابد. این روند به تحقق سیمای یک جامعه فہیم و متعالی کمک شایانی خواهد کرد. در مقابل، بازگشت علنی از مسیر حق؛ یعنی ارتداد، ابزاری برای انتشار سخنان باطل در جامعه است و مانع رشد تفکر دینی در جامعه می‌شود. در این راستا، در صورت دارا بودن عناصر قانونی و مادی، «ارتداد» به عنوان یک جرم اجتماعی تلقی شده، با آن برخورد می‌شود. بنابر این، از نظر دینی با اینکه آزادی عقیده مورد تأکید است، اما با انتشار اعتقادات نادرست در جامعه به شدت مقابله می‌شود.



منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. محمد دشتی (۱۳۸۶). قم: دارالفکر، چ سوم.
- آریلاستر، آنتونی (۱۳۸۸). **لیبرالسم غرب ظهور و سقوط**. ترجمه عباس مخبر دزفولی. تهران: نشر مرکز، چ چهارم.
- ابن منظور، محمد ابن مکرم (بی تا). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- امام خمینی، سید روح الله (بی تا). **تحریر الوسیله**. قم: دارالعلم.
- برلین، آیزایا (۱۳۸۰). **چهار مقاله درباره آزادی**. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: خوارزمی.
- جوادی آملی، عبدالله (بی تا). «؟». **روزنامه جمهوری اسلامی**، ویژه نامه حوزه، ش ۴۸.
- حر عاملی، محمد ابن حسن (۱۴۱۶ ق). **تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۷۳). **تفسیر نور الثقلین**. قم: اسماعیلیان.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ ق). **التنقیح فی شرح العروه الوثقی**. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق). **المفردات فی غریب القرآن**. دمشق: الدار الشامیه؛ بیروت: دار القلم.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۲). **کارنامه اسلام**. تهران: امیرکبیر.
- زیدان، جرجی (۱۳۷۲). **تاریخ تمدن اسلام**. ترجمه علی جواهر کلام. تهران: امیرکبیر.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۷). «دیانت، مدارا و مدنیت». **کیان**، ش ۴۵.
- سروش، محمد (۱۳۸۱). **آزادی، عقل و ایمان**. قم: مجلس خبرگان.
- صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۷۰). **تفسیر القرآن الکریم**. قم: بیدار.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۳). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصرخسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ ق). **تاریخ الطبری**. بیروت: روائع التراث العربی.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵). **حقوق جنایی**. تهران: فردوسی، چ چهارم.
- محقق داماد، سید مصطفی و سید محسن موسوی فر (۱۳۹۳). «**جرم ارتداد در روایات**». **آموزه های حقوق کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)**، ش ۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). **توحید در نظام عقیدتی و نظام ارزشی اسلام**. قم: شفق.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳). **معارف قرآن**. قم: مؤسسه در راه حق.
- مصباح یزدی محمدتقی (۱۳۸۱). «؟». **مفتحه نامه پرتو**، شماره دوم دی ماه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). **پیرامون جمهوری اسلامی ایران**. تهران: صدرا، چ هجدهم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). **آشنایی با قرآن**. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). **اخلاق جنسی در اسلام**. تهران: صدرا.
- مظفری، محمدحسین (۱۳۷۶). **نابردباری مذهبی**. تهران: دانش و اندیشه معاصر.
- منتسکیو، شارل (۱۳۹۱). **روح القوانين**. ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: امیرکبیر، چ دهم.
- موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (۱۳۸۵). **فقه الحدود و التعزیرات**. قم: جامعه المفید.
- موسوی عاملی، سید محمد (بی تا). **مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام**. مشهد: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- موسویان، سید ابوالفضل (۱۳۸۸). «**کیفر مرتد حکمی سیاسی**». **مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، ش ۱.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). **جواهر الکلام**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- <https://farsi.khamaneh.ir>
- <https://farsi.khamaneh.ir>
- **Nahj al-Balagha**. Mohammad Dashti (2007). Qom: Intesharat Dar al-Fekr. 3rd ed.
- Aliabadi, Abdolhossein (2006). **Criminal Law**. 4th ed. Tehran: Ferdowsi Publications.
- Arblaster, Anthony (2009). **The Rise and Decline of Western Liberalism**. Translated by Abbas Mokhber Dezfali. 4th ed. Tehran: Nashr-e Markaz.
- Berlin, Isaiah (2001). **Four Essays on Liberty**. Translated by Mohammad Ali Movahed. Tehran: Nashr-e Khwarazmi.
- Hurr al-Amili, Muhammad ibn Hasan (1995). **Tafsil Wasa'il al-Shi'a ila Tahsil Masail al-Shari'a**. Qom: Mu'assasat Al al-Bayt li Ihya' al-Turath.
- Huwaizi, Abdali ibn Juma (1994). **Tafsir Nur al-Thaqalayn**. Qom: Ismailiyan.
- Ibn Manzur, Muhammad Ibn Makram. (N.d.). **Lisan al-Arab**. Beirut: Dar Sader.
- Javadi Amoli, Abdullah (N.D.). "?". *Rouznameh Jomhouri Islami, Special Issue of Howzeh*, No. 48.
- Khoei, Seyyed Abolqasem (1997). **Al-Tanqih fi Sharh al-'Urwa al-Wuthqa**. Qom: Mu'assasat Ihya' Athar al-Imam al-Khoei.
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (N.D.). **Tahrir al-Wasilah**. Qom: Intesharat Dar al-Ilm.

- Misbah Yazdi, Mohammad Taghi (1994). **Ma'aref-e Qur'an**. Qom: Mo'asseseh Dar Rah-e Haqq.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taghi (1996). **Tawhid in the Ideological and Value System of Islam**. Qom: Shafaq.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taghi (2002). "?". *Hafteh Nameh Parto*, 2/10/81 (Iranian date).
- Montesquieu, Charles (2012). **The Spirit of the Laws**. Translated by Ali Akbar Mohtadi. 10th ed. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Motahari, Morteza (2005). **Concerning the Islamic Republic of Iran**. 18th ed. Tehran: Sadra.
- Motahari, Morteza (1997). **Introduction to the Qur'an**. Tehran: Sadra.
- Motahari, Morteza (2013). **Collected Works**. Tehran: Sadra.
- Motahari, Morteza (2015). **Sexual Ethics in Islam**. Tehran: Sadra.
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa & Seyyed Mohsen Mousavi Far (2014). **"The Crime of Apostasy in Narrations"**. *Amuzeh-ha-ye Hoquq-e Keyfari* (Islamic Sciences University of Razavi), No. 8.
- Mousavi Ameli, Seyyed Mohammad (N.D.). **Madarek al-Ahkam fi Sharh Shara'i al-Islam**. Mashhad: Mu'assasat Al al-Bayt li Ihya' al-Turath.
- Mousavi Ardebili, Seyyed Abdolkarim (2006). **Fiqh al-Hudud wa al-Ta'zirat**. Qom: Jami'ah al-Mofid.
- Mousavian, Seyyed Abolfazl (2009). **"Apostasy Punishment is a Political Ruling"**. *Do-faslnameh-ye Motala'at-e Fiqh va Hoquq-e Islami*, No. 1.
- Mozaffari, Mohammad Hossein (1997). **Religious Intolerance**. Tehran: Danesh va Andisheh-ye Mo'aser.
- Najafi, Mohammad Hassan (1983). **Jawahir al-Kalam**. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi.
- Raghib al-Isfahani, Hussein ibn Muhammad (1991). **Al-Mufradat fi Gharib al-Qur'an**. Damascus: Al-Dar al-Shamiya - Beirut: Dar al-Qalam.
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad (1991). **Tafsir al-Qur'an al-Karim**. Qom: Bidar.
- Soroush, Abdolkarim (1998). **"Religion, Tolerance, and Civilization"**. *Kian Magazine*, No. 45.
- Soroush, Mohammad (2002). **Freedom, Reason, and Faith**. Qom: Majlis-e Khobregan.
- Tabari, Muhammad ibn Jarir (1967). **Tarikh al-Tabari**. Beirut: Rawae' al-Turath al-Arabi.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan (2004). **Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an**. Tehran: Naser Khosrow.
- Tabataba'i, Seyyed Mohammad Hussein (1995). **Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an**. Qom: Jami'ah-ye Modarresin-e Howzeh-ye Elmieh.
- Zarrinkoub, Abdolhossein (2003). **Karnameh-ye Islam**. Tehran: Amir Kabir Publications.
- Zeidan, Georgi (1993). **Tarikh Tamaddon-e Islam**. Translated by Ali Javaher Kalam. Tehran: Amir Kabir Publications.